

## بررسی و تبیین ارتباط میان نظریه « وحدت وجود » ابن عربی و آرای حلاج

هدی عرب زاده<sup>۱</sup>  
منوچهر زارعی<sup>۲</sup>

### چکیده

نظریه « وحدت وجود » اگر مهمترین نظریه عرفان اسلامی قلمداد نشود لاقبل یکی از مهمترین آنها به شمار می آید. مشهور است که این نظریه بیش از هر اسمی با نام ابن عربی نامدار گره خورده است. ابن عربی صاحب آثار مهمی در زمینه عرفان اسلامی نظیر فتوحات و فصوص الحکم است. واقع این است که وی هیچ گاه آشکارا در آثار خود از این اصطلاح استفاده نکرده است؛ بلکه پیروان و دنباله روان وی نظیر عزیزالدین نسفی و جیلی بوده اند که در تفاسیر و تعابیر خود از آرای ابن عربی این اصطلاح را به کار برده اند. از سوی دیگر، چنانچه قصد پیگیری سیر تکامل این مفهوم گسترده و شناور را در طول تاریخ عرفان اسلامی داشته باشیم، ناگزیر از توجه به یکی دیگر از بزرگترین چهره های تاریخ عرفان اسلام و جهان، هستیم: حسین منصور حلاج درباره ارتباط حلاج با نظریه « وحدت وجود » اشاره به شطح مشهور « أنا الحق » وی تا حدودی راهگشاست؛ ولی برای تبیین لایه ها و جزئیات این ارتباط بازبینی آثار موجود حلاج ضروری به نظر می رسد. در مطالعه، ضمن ترسیم طرح کلی نظریه « وحدت وجود » در آرای حلاج و سپس ابن عربی به مشترکات یا نقاط تمایز آن اشاره می شود.

واژگان کلیدی: عرفان اسلامی، وحدت وجود در آثار ابن عربی، حلاج و ابن عربی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت ایرانشهر [hodaarabzadeh@yahoo.com](mailto:hodaarabzadeh@yahoo.com)  
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت [zareimanuchehr@yahoo.com](mailto:zareimanuchehr@yahoo.com)